

## ایمان و کفر دو مرحله‌ای در قرآن

عبدالرحیم سلیمانی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۴ - تاریخ تأیید: ۹۸/۰۹/۱۸

### چکیده

در قرآن، ایمان کلید رستگاری و کفر عامل شقاوت انسان است. اما آیا ایمان و کفر در قرآن یک معنا و یک مرحله دارد؟ از آیاتی از قرآن برمی‌آید که خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند دستور می‌دهد که به خدا و پیامبر و کتاب ایمان آورند؛ آیا دستور به ایمان به فرد مؤمن تحصیل حاصل نیست؟ مفسران برای حل این مشکل بیان‌های مختلف و متفاوتی ارائه کرده‌اند. اما سخن این نوشتار این است که ایمان دو مرحله دارد، یکی اصل حق پرستی که فطری است و دیگری تسلیم شدن در مقابل مصادیق حق. این آیات به این دو مرحله از ایمان اشاره دارند. همچنین مطابق قرآن کفر نیز دو مرحله دارد، یکی اینکه باورهای کسی مطابق حق نباشد و دیگر اینکه با حق عناد داشته باشد. کفر دوم است که باعث هلاکت انسان می‌شود، اما کفر اول ممکن است با ایمان فطری جمع شود. کلید نجات و رستگاری همان تسلیم بودن در مقابل حق، یعنی ایمان فطری است.

واژگان کلیدی: ایمان و کفر در قرآن؛ مراحل ایمان و کفر؛ ایمان فطری؛ قرآن و نجات؛ قرآن و تکثرگرایی دینی.



### مقدمه

بی‌تردید واژه «ایمان» مهم‌ترین و اساسی‌ترین واژه در مجموعه واژگان قرآن است. اگر دین را در تعریفی کلامی و درون دینی به «برنامه خدا برای رستگاری انسان» تعریف کنیم، رستگاری انسان تنها هدف دین به حساب می‌آید. هرگز نباید تردید کرد که در ادبیات قرآنی رستگاری انسان به ایمان او گره خورده است، به گونه‌ای که بدون ایمان هیچ‌گونه رستگاری وجود ندارد. اما ماهیت این ایمان چیست و متعلق آن چه چیزی باید باشد که باعث رستگاری انسان شود؟ پرسش فوق‌نشان می‌دهد که مبحث «ایمان‌شناسی» مهم‌ترین بحث در نظام الاهیاتی قرآن است. بحث ایمان در قرآن چنان مهم است که مشتقات این واژه بیش از پانصد بار در این کتاب به کار رفته است.

واژه مقابل «ایمان» در قرآن کلمه «کفر» است که باز مشتقات آن صدها بار در این کتاب تکرار شده است. اگر «ایمان» در قرآن کلید رستگاری و نجات است، «کفر» عامل هلاکت و شقاوت ابدی است.

کلمه «ایمان» در لغت از ریشه «آمن» است و گویا کسی که ایمان می‌آورد در امنیت قرار می‌گیرد، کما اینکه آیه‌ای از قرآن به این امر اشاره دارد.<sup>۱</sup> امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «من آمن آمن؛ هرکس ایمان آورد در امنیت است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۱۴۸۷)

واژه «کفر» در لغت به معنای پوشاندن چیزی است.<sup>۲</sup> اما درباره اصطلاح قرآنی آن در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که این واژه به پنج معنا به کار رفته است: یکی انکار خدا و قیامت که خود دو صورت دارد، یا آگاهانه است و یا ناآگاهانه؛ صورت سوم، کفر نعمت است در مقابل شکر آن مانند آیه ۷ سوره ابراهیم؛ صورت چهارم ترک دستورات الاهی است، مانند آیه ۸۵ از سوره بقره؛ صورت پنجم بی‌زاری جستن است، مانند آیه ۴ از سوره ممتحنه.<sup>۳</sup>

سخن ما در این نوشتار نه درباره معنای لغوی ایمان و کفر است و نه درباره کاربردهای گوناگون این واژه در قرآن. سخن ما درباره ایمان و کفری است که نجات و رستگاری یا

۱. نک: انعام، ۸۲.

۲. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۱۴.

۳. نک: الطریحی، ۱۹۸۵: ۳ و ۴ / ۴۷۵-۴۷۶.

ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۳

هلاکت و شقاوت انسان به آن بستگی دارد. ادعای ما این است که هم ایمان و هم کفر در قرآن دو مرحله دارد که عدم تفکیک آن‌ها باعث کج‌فهمی در بحث رستگاری‌شناسی قرآن می‌شود. فهم درست دو مرحله ایمان و دو مرحله کفر مبنایی برای شناخت درست رستگاری‌شناسی عادلانه قرآن فراهم می‌کند. در این نوشتار ابتدا به بحث ایمان دو مرحله‌ای و سپس به بحث کفر دو مرحله‌ای و در پایان به بحث نتایج نجات‌شناسانه دو بحث اول خواهیم پرداخت.

### الف- ایمان دو مرحله‌ای قرآن

سخن را از دو آیه بحث‌انگیز قرآن آغاز می‌کنیم. شگفتی این دو آیه از این جهت است که در آن‌ها به کسانی که ایمان آورده‌اند دستور داده می‌شود که ایمان بیاورند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاده ایمان بیاورید.» (نساء، ۱۳۶)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او ایمان آورید.» (حدید، ۲۸)

در این دو آیه از کسانی که ایمان آورده‌اند خواسته می‌شود که ایمان بیاورند و این تحصیل حاصل است. مفسران سخنان متفاوتی برای حل این مشکل دارند:

صاحب التبیان فی تفسیر القرآن سه وجه در تفسیر آیه اول نقل کرده است؛ نخست اینکه، مخاطب این آیه منافقین هستند. در واقع آیه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان ظاهری آورده‌اید، ایمان باطنی و واقعی بیاورید»؛ وجه دوم، که جبائی و بلخی و زجاج اختیار کرده‌اند، این است که مخاطب آیه عموم مسلمانان است و از آنان می‌خواهد که به ایمان خود ادامه دهند؛ وجه سوم، که طبری انتخاب کرده، این است که مخاطب آیه اهل کتاب است و از آنان می‌خواهد که شما که به خدا و پیامبران پیشین ایمان آورده‌اید به پیامبر اسلام ایمان آورید. ایشان قول اول را مناسب تشخیص داده مناسب مذهب می‌شمارد.<sup>۱</sup> صاحب تفسیر مجمع البیان و روض الجنان

۱. نک: طوسی، بی‌تا: ۳/ ۳۵۷.

دقیقاً همین سه وجه را نقل و قول اول را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> با این حال طبرسی در کتاب تفسیر دیگرش ظاهراً قول دوم را برگزیده؛ چرا که می‌گوید، مقصود این است که ای مسلمانان به ایمان خود استوار باشید و آن را ادامه دهید.<sup>۲</sup> تعداد قابل توجهی از مفسران نظر اول را پذیرفته و با تعبیر مختلف آن را بیان کرده‌اند، تعبیری از قبیل اینکه: «ای کسانی که با زبان ایمان آورده‌اید با قلب ایمان آورید»؛ یا «ای کسانی که به ظاهر ایمان آورده‌اید، به باطن ایمان آورید» و امثال آن‌ها.<sup>۳</sup> با این حال برخی از مفسران وجه دوم را ترجیح داده‌اند و آیه را این گونه معنا کرده‌اند که: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به ایمان خود ادامه دهید.»<sup>۴</sup> برخی مفسران از ابن عباس شأن نزولی برای آیه نقل کرده‌اند و آن اینکه برخی بزرگان اهل کتاب به پیامبر (ص) عرض کردند که ما به تو و کتاب آسمانی تو و موسی و عزیر ایمان می‌آوریم ولی به سایر کتاب‌های آسمانی و سایر انبیا ایمان نمی‌آوریم. آیه درباره آنان نازل شده و به آنان دستور داده که باید به همه ایمان آورند.<sup>۵</sup> مفسر دوم ادامه می‌دهد که اگر از شأن نزول چشم‌پوشی کنیم می‌توانیم احتمال دهیم که مقصود مسلمانان باشد و به آنان دستور می‌دهد که ایمان واقعی و باطنی بیاورند.

مفسر دیگری می‌گوید، «معنای آیه این است که ای کسانی که تقلیدی ایمان آورده‌اید، تحقیقی یا علمی یا عینی ایمان بیاورید.» (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق: ۱ / ۱۵۷) فخررازی اقوال را در تفسیر این آیه دو دسته تقسیم کرده، یک دسته کسانی که می‌گویند مخاطب آیه مسلمانان هستند و دسته دیگر کسانی که می‌گویند مخاطب غیر مسلمانان، از اهل کتاب یا منافقان یا مشرکان هستند. ایشان می‌گوید، «اکثر عالمان قول اول را برگزیده‌اند، یعنی اینکه مخاطب آیه مسلمانان است؛ ایشان می‌گوید، حتی کسانی که قول اول را برگزیده‌اند چند قول در بیان آیه دارند: یکی اینکه به ایمان خود ادامه دهید؛ دیگر اینکه ای کسانی که تقلیدی ایمان آورده‌اید تحقیقی ایمان بیاورید؛ سوم اینکه ای کسانی که با دلایل مجمل ایمان آورده‌اید با دلایل تفصیلی ایمان بیاورید و...» (فخررازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۱ / ۲۴۲)

۱. نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۹۱ و رازی، ۱۴۰۸ ق: ۶ / ۱۴۹.

۲. نک: طبرسی، ۱۳۷۷: ۶ / ۱۴۹.

۳. نک: فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۱ / ۵۱۰؛ کاشانی، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۶۰؛ لاهیجی، ۱۳۶۸: ذیل آیه فوق و قمی‌مشهدی، ۱۳۶۸: ۲ / ۵۶۳.

۴. نک: آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۳ / ۱۶۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۵۷۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق: ۲ / ۱۷۲ و جلالین، ۱۴۱۶ ق: ۱ / ۱۰۳.

۵. نک: میبیدی، ۱۳۷۱: ۲ / ۷۳۰ و مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۶۶.

ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۵

صاحب تفسیر المیزان می‌گوید، مقصود از آیه این است که: «ای کسانی که به صورت اجمالی ایمان آورده‌اید، به صورت تفصیلی ایمان بیاورید.»<sup>۱</sup>

اینها مهم‌ترین نظرات در تفسیر آیه ۱۳۶ از سوره نساء بود. در تفسیر آیه ۲۸ از سوره حدید نیز اختلاف آرای زیادی وجود دارد. تعدادی از مفسران بر آن رفته‌اند که، از آنجاکه آیه قبل از این آیه درباره مسیحیان و پیروان حضرت عیسی است، این آیه خطاب به مسیحیان است و از آنان می‌خواهد که به محمد (ص) ایمان آورند. در واقع تفسیر آیه این است که ای مسیحیانی که به خدا و عیسی (ع) ایمان آورده‌اید به حضرت محمد (ص) نیز ایمان بیاورید.<sup>۲</sup>

برخی از مفسران مخاطب آیه را کل اهل کتاب می‌شمارند و می‌گویند مقصود این است که ای کسانی که به خدا و موسی و عیسی (ع) ایمان آورده‌اید به محمد (ص) ایمان آورید.<sup>۳</sup>

محمّد الدین ابن عربی می‌گوید، «مقصود از آیه این است که ای کسانی که به صورت یقینی ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و با استقامت در اعمال و احوال خود از طریق تبعیت از پیامبر (ص) به او ایمان آورید.» (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق: ۲ / ۳۲۲) صاحب تفسیر المیزان سخنی شبیه همین دارد. ایشان می‌گوید، «مقصود این است که ای مسلمانان با اطاعت کامل در اوامر و نواهی به پیامبر ایمان بیاورید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹ / ۱۷۴)

صدرالمتألهین می‌گوید، «مقصود این است که، ای کسانی که به یگانگی و علم و قدرت خدا ایمان آورده‌اید و پیامبران او را تصدیق کرده‌اید، تقوا پیشه کنید و به پیامبر او ایمان آورید.» ایشان همچنین احتمال می‌دهد که مخاطب آیه اهل کتاب باشند. همچنین از ابن عباس نقل می‌کند که، «مقصود این است که، ای کسانی که ایمان ظاهری آورده‌اید ایمان باطنی بیاورید.» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶ ق: ۶ / ۳۰۴)

صاحب تفسیر روح المعانی از ابوحنیفه این سخن را نقل می‌کند که، «مخاطب آیه مسلمانان هستند و نه اهل کتاب. ایشان می‌گویند، روایات این قول را تأیید می‌کند و روایاتی در تأیید آن نقل می‌کند.» (ألوسی، ۱۴۱۵ ق: ۱۴ / ۱۹۲)

۱. نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۵ / ۱۱۲.

۲. نک: فخررازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۹ / ۴۷۵؛ میدی، ۱۳۷۱ ق: ۹ / ۵۰۳؛ خطیب، بی‌تا: ۱۴ / ۸۰۰؛ جلالین، ۱۴۱۶ ق: ۱ / ۵۴۴؛

لاهیجی، ۱۳۷۳: ذیل آیه فوق و گنابادی، ۱۴۰۸ ق: ۴ / ۱۵۲.

۳. نک: بروسوی، بی‌تا: ۹ / ۳۸۵ و طبرسی، ۱۳۷۲ ق: ۹ / ۳۶۷.

صاحب تفسیر نمونه می‌گوید، در این آیه دو قول است: یکی اینکه مخاطب آیه مسلمانانی هستند که ایمان ظاهری دارند، که از آنان می‌خواهد که ایمان خود را با پرهیزگاری عمیق کنند؛ قول دوم این است که مخاطب اهل کتاب هستند و از آنان می‌خواهد که به پیامبر اسلام ایمان بیاورند. ایشان می‌گوید، اینکه در ادامه آیه سخن از پاداش مضاعف آمده قول دوم را تقویت می‌کند اما آیه بعد قول اول را تقویت می‌کند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد، هیچ‌یک این تفسیرها با ظاهر این دو آیه سازگار نباشند یا حداقل دلیلی بر آن‌ها نباشد. در این دو آیه کلمه ایمان تکرار شده و از آنجاکه دستور به امر حاصل و موجود بی‌معناست، پس باید دید که در خود لفظ آیه چه تفاوتی بین این دو کاربرد وجود دارد. تفاوتی که در لفظ وجود دارد این است که، در هر دو آیه در کاربرد اول متعلق ایمان مشخص نشده است و در کاربرد دوم متعلق ایمان مشخص شده است؛ برای مثال در کاربرد اول از آیه اول گفته شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و بیان نشده است به چه چیزی ایمان آورده‌اند. در قرآن معمولاً هر جا این عبارت به همین شکل به کار رفته از آن «مسلمانان» فهمیده می‌شود، اما این در صورتی است که قرینه‌ای در کلام نباشد که نشان دهد که مقصود از آن مسلمانان نیست. درست است که مطابق کاربردهای قرآنی تعبیر «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» بیشتر مسلمانان را نشان می‌دهد، اما مشکل این است که در ادامه آیه از آنان می‌خواهد که مسلمان بشوید و به اصول زیربنایی دین اسلام ایمان بیاورید. پس در اینجا ظاهر لفظ ایمان اول خصوص مسلمانان نیست.

تفاوت ایمان اول با ایمان دوم در این است که، اولی ایمان به قول مطلق است و در دومی مصادیق ایمان که خدا و پیامبر و قرآن و غیره است، مشخص شده است. اما پرسش این است که آیا ایمان مطلق و بدون متعلق خاص وجود دارد؟ باید کمی درباره معنای ایمان بحث کنیم تا پاسخ به این پرسش روشن شود.

ایمان یک عمل اختیاری است؛ دلیل آن این است که در آیات متعددی از قرآن، از جمله دو آیه فوق، به آن دستور داده شده و تکلیف تنها می‌تواند به عمل اختیاری تعلق بگیرد.<sup>۲</sup> پس ایمان نمی‌تواند از سنخ علم باشد، چراکه علم، هر چند در بیشتر موارد مقدمات آن اختیاری است، اما

۱. نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۳۹۴.

۲. برای نمونه، نک: بقره، ۴۱؛ آل عمران، ۱۷۹ و نساء، ۴۷ و ۱۷۱.

ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۷

خود دانستن اختیاری نیست. ایمان از سنخ یقین نیز نیست و آیاتی از قرآن جمع شدن بین کفر و یقین را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر ایمان با اینکه یک فعل و عمل است، اما عمل جوارحی نیست، بلکه عمل جوانحی و قلبی است.<sup>۲</sup> مطابق آیات قرآنی ایمان دو صورت دارد، ایمان درست و ایمان نادرست. ایمان درست جایی است که متعلق ایمان حق باشد و ایمان نادرست جایی است که متعلق ایمان باطل باشد. مطابق قرآن انسان در جایی که حقانیت چیزی را دریابد باید به آن ایمان آورد.<sup>۳</sup> به همین جهت خدا به سوی حق هدایت می‌کند؛<sup>۴</sup> و حتی با آیات خود حقانیت خویش را آشکار می‌کند تا به او ایمان آورند.<sup>۵</sup> پس در واقع متعلق ایمان درست «حق» است. اما از آیاتی از قرآن برمی‌آید که کسانی به باطل ایمان می‌آورند.<sup>۶</sup>

اما ایمان به صورت مطلق در قرآن معنای مثبت دارد و مقصود از آن ایمان به حق است. ایمان به معنای گردن نهادن یا پذیرش یا تسلیم شدن در مقابل حق (یا باطل) است. اما این پذیرش یا گردن نهادن یا تسلیم شدن دو صورت و یا به تعبیر دقیق‌تر، دو مرحله دارد: یکی اینکه، انسان به اصل حق، بدون اینکه مصادیق آن را شناخته باشد گردن نهد، یعنی بخواهد که حق را بپذیرد؛ و صورت دیگر یا مرحله دوم این است که، پس از شناخت مصادیق حق به آن گردن نهد.

ایمان مرحله اول، مطابق قرآن و روایات اسلامی، امری فطری است؛ به این معنا که انسان فطرتاً حنیف و حق پرست خلق شده است.<sup>۷</sup> اینکه انسان باید تسلیم حق باشد و به آن گردن نهد امری اکتسابی و نظری نیست و همه انسان‌ها آن را در درون خود می‌یابند؛ و البته لازمه حق پرستی و تسلیم حق بودن، باطل‌گریزی و باطل‌ستیزی است.

مرحله اول ایمان این است که، انسان به ندای باطن و فطرت گوش فرا دهد و بخواهد که

۱. برای نمونه، نک: نمل، ۱۴.

۲. نک: حجرات، ۱۴.

۳. نک: حج، ۵۴ و هود، ۱۷.

۴. نک: یونس، ۳۵.

۵. نک: فصلت، ۵۳.

۶. نک: عنکبوت، ۵۲ و نساء، ۵۱.

۷. نک: روم، ۳۰.

تسلیم حق و حقیقت باشد. از آنجاکه اصل تسلیم حق بودن امری فطری است، می‌توان این مرحله از ایمان را «ایمان فطری» نام نهاد؛ در این مرحله متعلق ایمان اصل حقیقت است و هنوز کاری با مصادیق حقیقت ندارد. اما کسی که این مرحله از ایمان را پشت سر گذاشت، یعنی با حق عناد نداشت، بلکه تسلیم آن بود، وظیفه دوم او آغاز می‌شود و آن اینکه مصادیق حق را بشناسد و به آن نیز گردن نهد. این مرحله دوم ایمان است.

مرحله اول ایمان ارتباطی با هدایت ندارد، چراکه امری فطری است؛ اما در مرحله دوم هدایت مطرح می‌شود. هدایت این است که به کسی نشان داده شود که چه چیزی حق است و چه چیزی باطل؛ در واقع به کسی نمی‌توان این را آموخت که باید تسلیم حق باشد، چراکه خود، این را می‌داند و در صورتی که از این امر تخلف کند هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد؛ اما به انسان‌ها می‌توان مصادیق حق و باطل را نشان داد. در آیات متعددی از قرآن سخن از این رفته است که فلان چیز حق است. نشان دادن حق بودن چیزی همان هدایت است.

خداوند در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «نشانه‌های خود را در آفاق [جهاد بیرون] و در درون خود انسان‌ها به آنان نشان خواهیم داد تا برای ایشان آشکار شود که او مسلماً حق است.» (فصلت، ۵۳) این معنای هدایت است. خدا حقانیت خود را از طریق آیات و نشانه‌های خود به انسان نشان می‌دهد. همین که حقانیت خداوند برای انسانی ثابت شد هدایت انجام گرفته و زمینه برای مرحله دوم ایمان فراهم شده، چراکه مصداق حق نیز روشن شده است. در اینجا انسان به اختیار خود می‌تواند ایمان بیاورد، یعنی به مصداقی از حق که برای او روشن شده گردن نهد.

دو آیه فوق، یعنی آیه ۱۳۶ از سوره نساء و آیه ۲۸ از سوره حدید، این دو مرحله از ایمان را بیان می‌کنند. ایمان اول به مرحله اول ایمان، یعنی همان ایمان فطری، اشاره دارد و ایمان دوم در واقع هدایت به سوی مصادیق حق و دعوت به گردن نهادن به آن‌ها را در بردارد. اگر بخواهیم آیه اول را به صورت محتوایی معنا کنیم، معنای آن چنین می‌شود:

«ای حق پرستان، خدا و پیامبرش و کتابی که فرو فرستاده و... حق هستند، پس به آن‌ها ایمان آورید.»

به عبارت دیگر: ای کسانی که تسلیم حق هستید و حاضرید به آن گردن نهید، اینها مصادیق حق هستند و شما باید به آن‌ها گردن نهید؛ و در آیه دوم آمده است که: «ای حق پرستان و ای



ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۹

کسانی که تسلیم حق هستند، پیامبر خدا حق است و باید به آن گردن نهید، مبدا نفسانیت و امثال آن باعث شود که شما به این مصداق حق گردن نهید!»

در همه بیان‌های دیگری که از این دو آیه شده، به گونه‌ای از ظاهر آیه دست برداشته شده یا بدون دلیل بر وجهی حمل شده است. اما در بیانی که از دو آیه شد فقط به ظاهر آن‌ها توجه شد. ظاهر این است که، وقتی یک واژه تکرار شده، خداوند امر به چیزی که حاصل است نکرده است. پس این تکرار تفاوت را نشان می‌دهد. همچنین در کاربرد اول واژه ایمان، متعلق ایمان مشخص نشده است و ما هم مطابق ظاهر، آن را بر اصل حق پرستی فطری، بدون توجه به مصداق حق، حمل کردیم. در کاربرد دوم مصداق حق بیان شده است و ما نیز دقیقاً همان را بیان کردیم.

اصل دو مرحله‌ای بودن ایمان هم معنای آیات متعددی از قرآن را روشن می‌سازد و هم مبنایی برای نجات‌شناسی عادلانه و عاقلانه فراهم می‌کند که در بخش پایانی این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

### ب - کفر دو مرحله‌ای قرآن

همان‌طور که ایمان دو مرحله‌ای است، کفر نیز که در مقابل آن قرار دارد، دو مرحله‌ای است. این نکته را نیز از آیه‌ای از قرآن می‌توان برداشت کرد. در این آیه نیز دو بار کلمه کفر به کار رفته که نمی‌توانند به یک معنا باشند:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ ۚ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ همانا کسانی که گفتند: خداوند یکی از سه تا است کافر شدند و حال آنکه هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، البته به کافران آنان عذابی دردناک خواهد رسید.» (مائده، ۷۳)

مفسران با اینکه در تفسیر این آیه نیز اختلاف دارند با این حال اغلب قبول دارند که، همان‌طور که ظاهر آیه همین است، این دو کاربرد با هم تفاوت دارند. مطابق این سخن حرف «من» در عبارت «کفروا منهم» به معنای تبعیض است و نه تبیین. مطابق این سخن کلمه «کفروا» در اول آیه شامل حال همه کسانی که به تثلیث اعتقاد دارند می‌شود، اما تعبیر «کفروا منهم» در آخر آیه شامل برخی از کسانی که قائل به تثلیث شده‌اند، می‌شود.

اما این «برخی از قائلان به تثلیث»، که به عذاب دردناک خداوند دچار می‌شوند، کدام‌اند؟ سخن بسیاری از مفسران این است که آنانی که بر سر این باور خود بایستند و از آن دست برندارند. ظاهر سخن این مفسران این است که، بعد از آمدن اسلام و قرآن، برخی مسیحیان از دین خود و از جمله تثلیث، دست برداشته و مسلمان شده‌اند؛ اینان با اینکه کفر اول شامل آنان می‌شود، اما کفر دوم شاملشان نمی‌شود؛ چون به کفر خود ادامه نداده‌اند.<sup>۱</sup>

اما به نظر می‌رسد که برخی مفسران حرف «من» را در تعبیر «کفروا منهم» به معنای بیانیه گرفته‌اند که معنای آن این است که، این دو کاربرد «کفر» از نظر معنا و مصداق هیچ فرقی ندارند و برای مثال صرفاً برای تأکید تکرار شده است.<sup>۲</sup> البته برخی مفسران هر دو وجه فوق را احتمال داده‌اند.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد که هر دو وجه فوق بی‌وجه باشند. سخن مشهورتر که می‌گفت این تکرار برای این است که عده قلیلی از مسیحیان را که مسلمان شده‌اند خارج کند، نه با ظاهر می‌سازد و نه با منطق؛ مگر کسی در این تردید داشته است که کسی که قبلاً به تثلیث یا باطل دیگری باور داشته و اکنون از آن دست برداشته و اعتقاد صحیح و درست را برگزیده است، به عذاب دردناک مبتلا نمی‌شود؟ این هم با عقل و هم مسلمات قرآنی روشن و آشکار بوده است.

وجه دوم از این جهت بی‌وجه است که خلاف ظاهر است. وقتی لفظی تکرار شده ظاهر این است که گوینده قصد خاصی از آن داشته است. ظاهر آیه این است که کسانی که به تثلیث باور دارند همه کافرند اما اگر از این باور خود دست برندارند به کافران از میان این کافران عذاب دردناک می‌رسد. پس کفر دوم اخص از کفر اول است و برخی از افرادی که به معنای اول کافرند به معنای دوم کافر نیستند. صاحب تفسیر المیزان در تفاوت این دو «کفر» می‌گوید که توده‌های مردم معنای تثلیث را نمی‌فهمند و نمی‌توانند درباره آن تدبیر کنند و چه بسا آن را تشریفی به کار می‌برند؛ اینان مستضعف هستند. اما عالمان که معنای آن را می‌فهمند و بطلان آن را می‌دانند و از آن دست بر

۱. نک: طوسی، بی‌تا: ۳/۶۰۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۲/۷۳؛ جلالین، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۲۳؛ مبینی، ۱۳۷۱: ۳/۱۹۴؛ رازی، ۱۴۰۸ق: ۷/۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۵۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲/۴۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵/۳۴ و مغنیه، بی‌تا: ۱/۱۵۲.

۲. نک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ذیل آیه فوق؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق: ذیل آیه فوق و ابن عربی، ۱۳۶۸: ذیل آیه فوق.

۳. نک: طبرسی، ۱۳۷۷: ذیل آیه فوق.

ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۱۱

نمی‌دارند به این معنا کافرند که دچار عذاب دردناک الاهی می‌شوند. کفر حقیقی، که شامل حال مستضعفان نمی‌شود، در برخی از معتقدان به تثلیث وجود دارد و نه در همه.<sup>۱</sup>

از سخن ایشان برمی‌آید که، هرکس اعتقاد باطلی درباره خدا یا اصول بنیادین دین داشته باشد به یک معنا کافر است، چون با باور خود حق را می‌پوشاند. اما کافر معنای دیگری نیز دارد و آن این است که کسی با حق عناد داشته باشد، به گونه‌ای که با اینکه حقانیت چیزی برای او آشکار شده، با این حال در مقابل آن تسلیم نشود، یا با اینکه بطلان امری برای او آشکار شده از آن دست بر ندارد.

مطابق این سخن اگر یک ایمان فطری داشتیم و آن اینکه انسان در مقابل اصل حقیقت تسلیم باشد، یک کفر فطری نیز داریم و آن این است که، انسان حق پرست نباشد و به آن گردن نهد. مقصود از کفر فطری این نیست که کفر جزو فطرت انسان است، بلکه مقصود از آن این است که، همان‌طور که ایمان فطری به معنای گردن نهادن به امری فطری بود، کفر فطری گردن نهادن و تسلیم نشدن در مقابل یک امر فطری است.

این دو معنا یا دو مرحله از کفر همان دو معنای اول کفر در قرآن است که در روایتی از امام صادق (ع) که پیش‌تر نقل شد، بیان شده بود.<sup>۲</sup>

### ج- نتایج قرآنی و اعتقادی ایمان و کفر دو مرحله‌ای

ایمان و کفر دو مرحله‌ای معنای بسیاری از آیات قرآنی را روشن می‌سازد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

«من جز بیم دهنده و بشارتگر برای کسانی که ایمان دارند، نیستم.» (اعراف، ۱۸۸) آیا پیامبر فقط به مؤمنان بیم و بشارت می‌دهد؟ پاسخ از آنچه گذشت آشکار است. تنها کسی هدایت‌پذیر است که ایمان فطری مرحله اول را داشته باشد، یعنی بخواهد تسلیم حق باشد.

«در این امر نشانه‌هایی برای گروهی که ایمان دارند وجود دارد.» (نمل، ۸۶؛ عنکبوت، ۲۴ و زمر، ۴۵) «همانا در این امر نشانه‌ای است، اگر مؤمن باشید.» (آل عمران، ۴۹) «همانا در

۱. نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۶ / ۷۰.

۲. نک: الطریحی، ۱۹۸۵: ۳ و ۴ / ۴۷۵-۴۷۶.

این نشانه‌ای برای مؤمنان است.» (حجر، ۷۷) آیا آیات خداوند تنها برای مؤمنان نشانه است؟ پاسخ این است که کار نشانه هدایتگری است و هدایت تنها شامل حال کسی می‌شود که بخواهد به حق گردن نهد، یعنی ایمان فطری را داشته باشد.

«این است کتابی که در آن تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایبندگان است.» (بقره، ۲) آیا قرآن تنها متقیان را هدایت می‌کند؟ پاسخ این است که ایمان پرهیزگاری می‌آورد و ایمان فطری پرهیزگاری خاص خود را به دنبال دارد که می‌توان آن را پرهیزگاری فطری نامید. این کتاب تنها کسی را می‌تواند هدایت کند که هم ایمان فطری و هم پرهیزگاری متناسب با آن را داشته باشد.

خدا تنها کسی را می‌تواند هدایت کند که در مرحله اول مؤمن باشد و نه کافر و کسی که در این مرحله کافر باشد هدایت‌پذیر نیست تا خدا او را هدایت کند: «چگونه خداوند، قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند، هدایت می‌کنند؟ با آنکه شاهد بودند که این رسول، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد و خداوند گروه ستم‌پیشگان را هدایت نمی‌کند.» (آل عمران، ۸۶) پس کسانی که حق را می‌شناسند و به آن گردن نمی‌نهند، هم کافرند و هم ظالم و هم فاسق و ناپرهیزگار. خدا اینان را هدایت نمی‌کند، چون هدایت‌پذیر نیستند.

«خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.» (بقره، ۲۶۴؛ مائده، ۶۷؛ توبه، ۳۷ و نحل، ۱۰۷) «خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.» (بقره، ۲۵۸؛ آل عمران، ۸۶؛ مائده، ۵۱؛ انعام، ۱۴۴؛ توبه، ۱۹ و ۱۰۹؛ قصص، ۵۰ و احقاف، ۱۰) «خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.» (مائده، ۱۰۸؛ توبه، ۲۴ و ۸۰) همه کسانی که خداوند یا پیامبر یا قرآن آنان را هدایت نمی‌کند، هدایت‌پذیر نیستند چون مرحله اول ایمان را ندارند. کسی که نمی‌خواهد تسلیم حق باشد، نشان دادن مصادیق حق به او به حالش سودی ندارد، چون به آن گردن نمی‌نهد.

از آیاتی از قرآن برمی‌آید که هدایت قرآن تنها شامل مسلمانان می‌شود: «این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و هدایتگر و رحمت و بشارت برای مسلمانان است به سوی تو فرو فرستادیم.» (نحل، ۸۹) «بگو: آن [قرآن] را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرو آورده، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند و برای مسلمانان هدایت و بشارت باشد.» (نحل، ۱۰۲) همان‌طور که ایمان دو مرحله دارد، اسلام نیز، که به معنایی معادل آن و به معنایی ملازم آن است، دو مرحله دارد، یک مرحله اسلام فطری و دیگری اسلام مصداقی و ظاهری. مقصود از

ایمان و کفر دو مرحله‌ای قرآن / سلیمانی ۱۳

کلمه «مسلمان» در دو آیه فوق مسلمان فطری است، یعنی کسی که بخواهد تسلیم حق باشد. بنابراین با دو مرحله‌ای شدن ایمان و کفر معنای بسیاری از آیات قرآن آشکار می‌شود.

نکته دیگر اینکه مطابق آیاتی از قرآن پس از نزول قرآن همه انسان‌ها وظیفه دارند به این دین جدید بگردند و مسلمان شوند.<sup>۱</sup> پس همه کسانی که بر دین خود باقی بمانند به یک معنا کافر هستند؛ چراکه اعتقادات و اعمالشان مطابق حق نیست. اما اکثریت این کافران با حق عناد ندارند اما به عللی حق برای آنان روشن نشده است و شاید در این نشناختن حق تقصیری نداشته باشند. این اکثریت به یک معنا مؤمن و به یک معنا کافر هستند. اینان ایمان فطری و اسلام فطری را دارند.

حال پرسش این است که آیا نجات و رستگاری در گرو ایمان و اسلام فطری و مرحله اول است یا اینکه باید ایمان و اسلام مرحله دوم را نیز داشته باشد؟ پاسخی که برخی عالمان داده‌اند و با آیات متعددی از قرآن منطبق است این است که، اگر کسی ایمان و اسلام فطری را داشته باشد، یعنی تسلیم حق و حقیقت باشد و به اندازه وسع و توان خود برای شناخت مصادیق حق تلاش کرده باشد، ولی به آن نرسیده باشد، چنین انسانی اهل نجات و رستگاری است.<sup>۲</sup> جمع بین آیاتی که به همگان دستور می‌دهد که به دین خاتم‌گردن نهند، و آیاتی که ظاهرشان این است که غیرمسلمانان نیز مؤمن و اهل نجاتند،<sup>۳</sup> همین است. اگر آنان به خدا ایمان دارند و تلاش خود را برای شناخت حقیقت انجام داده‌اند و به حقانیت دین اسلام نرسیده‌اند، آنان نه به خاطر دین خود، بلکه به واسطه ایمان خود، یعنی تسلیم بودن در مقابل حقیقت، اهل رستگاری هستند. پس ملاک و معیار رستگاری ایمان است، اما ایمان مرحله اول. براساس همین تقسیم است که قرآن اهل کتاب را تقسیم می‌کند:

«همه آنان [اهل کتاب] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب گروهی درست‌کردارند که آیات الاهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و

۱. نک: بقره، ۴۱؛ آل عمران، ۱۹ و ۱۱۰ و نساء، ۴۷.

۲. نک: مطهری، بی‌تا: ۳۲۰.

۳. نک: بقره، ۶۲ و مائده، ۶۹.

آنان از شایستگان اند و هرکار نیکی انجام دهند هرگز درباره آن ناسپاسی نبیند و خدا به حال تقوایبندگان داناست.» (آل عمران، ۱۱۳-۱۱۵)

از این آیات برمی آید که برخی اهل کتاب، با اینکه مسلمان نیستند، اما ایمان دارند و اعمال شایسته مورد قبول خداوند انجام می دهند. اینان صالح و متقی و مؤمن، و در نتیجه اهل نجات و رستگاری هستند. همه این مقامات به خاطر این است که ایمان مرحله اول را دارند.

در آیات متعددی از قرآن آمده است که شرط پذیرش اعمال توسط خداوند، ایمان است:

«و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - درحالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر گودی پشت هسته‌ی خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند.» (نساء، ۱۲۴؛ مقایسه کنید با: نحل، ۹۷؛ اسراء، ۱۹؛ طه، ۱۱۲؛ انبیاء، ۹۴ و غافر، ۴۰)

مطابق این آیات شرط پذیرش عمل صالح این است که فرد مؤمن باشد. اما آیا این ایمان مرحله اول است یا دوم؟ پاسخ ما این است که مقصود ایمان مرحله اول است. مقصود این آیات این است که عمل، حتی اگر به ظاهر شایسته باشد، در صورتی ارزشمند است که حق پرستانه انجام گرفته باشد. عملی که باطل پرستانه انجام گرفته باشد، حتی اگر به ظاهر خدمت به خلق خدا یا دین خدا باشد، هیچ ارزشی ندارد. عمل در صورتی مورد رضایت خداوند است که انسان چون آن را حق می داند و به خاطر حق بودنش انجام دهد، اما عملی که به ظاهر مطابق حق است اما فرد به گمان باطل بودن یا با هدفی باطل انجام می دهد هیچ ارزشی ندارد. اتفاق مال اگر برای ریا یا فریب مردم و امثال آن باشد، این عمل مؤمنانه و حق پرستانه نیست، اما عمل نیکویی که به قصد خیرخواهی و خدمت باشد ارزشمند است، هرچند انجام دهنده آن حتی به خدا باور نداشته باشد. شاهد آن علاوه بر عموم آیاتی که می گوید هیچ عملی خیری بی پاداش نمی ماند.<sup>۱</sup> روایاتی است که می گویند عمل نیک حتی اگر از سوی کافر یا مشرک انجام گیرد، حداقل اثرش این است که از عذاب او می کاهد.<sup>۲</sup> پس شرط ارزش عمل نزد خداوند این است که مؤمنانه، یعنی حق پرستانه، و نه کافرانه، یعنی باطل پرستانه، انجام گرفته باشد.

۱. نک: زلزال، ۷.

۲. نک: مطهری، بی تا: ۳۳۶-۳۳۸.

کلید رستگاری انسان در قرآن ایمان مرحله اول، یعنی تسلیم بودن در مقابل حق است. هر انسانی که واقعاً تسلیم حق باشد و به اندازه توان خود تلاش کرده باشد که مصادیق حق را بشناسد او همه وظایف خود را انجام داده است. اگر نجات و رستگاری به چیزی غیر این بستگی داشته باشد، اولاً لازمه‌اش این است که خداوند انسان را به چیزی فوق قدرت و طاقتش تکلیف کرده باشد و این نه با آیات قرآنی سازگاری دارد،<sup>۱</sup> و نه با عقل و خرد؛ و ثانیاً لازمه‌اش این است که رستگاری با چیزی غیر از سعی و تلاش خود انسان حاصل بشود و این نیز هم با قرآن ناسازگار است<sup>۲</sup> و هم با عقل و خرد. پس ایمان و کفر دو مرحله‌ای نه تنها معنای روشن آیه‌ای از قرآن است، و نه تنها بدون آن معنای بسیاری از آیات قرآن قابل فهم نیست، بلکه بدون آن یک نظام رستگاری‌شناسی عادلانه و عاقلانه نمی‌توان ارائه داد.

### نتیجه‌گیری

بحث این نوشتار را با این نکته آغاز کردیم که در این تردیدی نیست که مطابق قرآن، ایمان کلید رستگاری انسان و بنابراین واژه‌ای بسیار مهم و اساسی در نظام دینی قرآن است. اما نکته این است که در برخی آیات به کسانی که ایمان آورده‌اند دستور داده شده که به خدا و پیامبر و قرآن یا به پیامبر ایمان آورند. چگونه می‌توان به کسی که ایمان آورده دستور داد که ایمان بیاورد، چرا که این تحصیل حاصل است؟ مفسران در تفسیر این آیات اختلاف کرده‌اند. سخن این نوشتار این بود که ایمان دو مرحله دارد: یکی اصل تسلیم شدن به حق، که چون اصل حق پرستی فطری است، این ایمان را نیز فطری می‌نامیم؛ مرحله دوم ایمان، ایمان مصداقی است، یعنی اینکه انسان پس از شناخت مصادیق حق به آن‌ها گردن نهد. این آیات در واقع این دو مرحله از ایمان را دربردارند و در واقع به حق پرستان دستور می‌دهند که به مصادیق حق ایمان آورند.

همچنین از آیه‌ای از قرآن استفاده می‌شود که کفر نیز دوگونه است و دو مرحله دارد: یک مرحله آن این است که اعتقاد کسی مطابق حق نباشد؛ و مرحله دیگر آن این است که فرد با حق عناد داشته باشد و با اینکه مصادیق آن برای او آشکار شده تسلیم آن نشود. این کافر نوع دوم

۱. نک: بقره، ۲۲۳ و ۲۸۶ و مؤمنون، ۶۲.

۲. نک: نجم، ۳۹.

است که به عذاب الاهی دچار می‌شود، اما کافر نوع اول ممکن است ایمان فطری را داشته باشد. نجات و رستگاری انسان در گروی ایمان فطری یعنی تسلیم بودن در مقابل حق است. کسی که در مقابل حق تسلیم باشد و برای شناخت مصادیق حق به اندازه توان خود تلاش کرده، او حتماً اهل رستگاری است. اگر این‌گونه نباشد، نظام رستگاری‌شناسی، عادلانه و عاقلانه نیست. پس ایمان و کفر دو مرحله‌ای نه‌تنها مطابق آیات قرآن است، بلکه یک امر ضروری است که بدون آن از نظام رستگاری‌شناسی نمی‌توان دفاع کرد.



### کتاب نامه

- قرآن کریم.
- ابن عربی، محی الدین (١٤٢٢ ق)، تفسیر ابن عربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- آلوسی، سید محمود (١٤١٥ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- آمدی، عبدالواحد (١٤١٠ ق)، غررالحکم، قم: دارالکتب الإسلامی.
- بروسوی، اسماعیل (بی تا)، روح البیان، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- جلالین (١٤١٦ ق)، تفسیر جلالین، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
- خطیب، عبدالکریم (بی تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا: بی نا.
- رازی، ابوالفتوح (١٤٠٨ ق)، روض الجنان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم و بیروت: الدار السامیة.
- زمخشری، محمود (١٤٠٧ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی.
- صدرالمتألهین (١٣٦٦)، تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار.
- طباطبائی، سید محمد حسین (١٣٦٣)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل ان حسن (١٣٧٢)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
- الطریحی، شیخ فخرالدین (١٩٨٥)، مجمع البحرین، بیروت: مكتبة الهلال.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

١٨ دوفصلنامه پرتو وحی / دوره ٧ / شماره ١ و ٢ / پیاپی ١٢ و ١٣ / صص ١ - ١٨

- فخر رازی، محمد ابن عمر (١٤٢٠ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (١٤١٥ ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
- قمی مشهدی، محمد (١٤١٠ ق)، کنز الدقائق، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (١٤١٠ ق)، التفسیر المعین، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- کاشانی، ملافتح الله (١٤٢٣ ق)، زبدة التفاسیر، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- گنابادی، سلطان محمد (١٤٠٨ ق)، بیان السعادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- لاهیجی، عبدالرزاق (١٣٧٣)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، عدل الاهی، تهران: انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (بی تا)، التفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مبینی، ابوالفضل رشیدالدین (١٣٥٧)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر.